

لزوم يك جهش تبليغاتی

آيا برای هر موضوع ساده و بدون اهمیتی تشکيلات لازم است ولی برای تبليغات ، که بزرگترین عامل مؤثر در روح بشر ، و تعیین کننده سبب نوشت اجتماعات بشری است ، تشکيلات لازم نیست ؟

از وظائف قطعی دولت یکی کنترل کردن مواد غذایی اجتماع است. آيا از وظائف قطعی روحانیت یکی هم این نیست که شدیداً غذای روحی مردم را که بعنوان تبليغات مذهبی در سراسر کشور در معرض افکار مسلمین قرار می گیرد کنترل نماید .

و آيا هر کس میتواند و شایسته است که عهده دار وظیفه تبليغ باشد و آيا برای پیشرفت اسلام ، تنها حق بودن خود مطلب کافی است ، قطعاً نه - و ما در این مقاله تا آنجا که فرصت اجازه می دهد در اطراف لزوم تشکیل يك سازمان بزرگ تبليغی بحث نموده و پیشنهاد خود را در این زمینه بیان می داریم

محمد رضا صالحی کرمانی

اجازه دهید بحث خود را از يك داستان تاریخی شروع کنیم .
لشکر اسلام تحت فرماندهی عالی پیغمبر ، برای دفاع از مدینه و برای درهم کوبیدن سپاه چند هزار نفری قریش که بعزم انهدام قطعی اسلام راه

مدینه را درپیش گرفته بودند، از شهر خارج شد، پیغمبر با واقع بینی خاصی که حاکی از تبعا و در امور نظامی بود، لشکر را مرتب نمود، باین ترتیب که: کوه احد پشت سرو کوه ذوعینین طرف چپ و مدینه رو بروی لشکر اسلام قرار گرفت. چشمان تیز بن محمد ص همه چیز را باونشان می داد، و هوش سرشارش، هر حادثه احتمالی را قبلا پیش بینی نموده و طرح پیش گیری آنرا نیز می ریخت. پیغمبر جبل ذوعینین را از نظر موقعیت نظامی اش مورد مطالعه قرار داده و تمام اطراف و جوانب آنرا از نظر شرائط جنگی بررسی مینمود؛ ناگهان نگاهش در نقطه ای متوقف شد، همانجا که کوه شکافی برداشته و راهی طبیعی بصورت دره بوجود آورده بود، این دره ساده که نمی توانست در مواقع عادی دقت کسی را جلب کند، در آنروز و در آن شرائط خاص سخت پیغمبر را بخود مشغول کرد؛ آیا ممکن نیست که دشمن از شکاف این کوه استفاده نموده؛ و صفوف جبهه اسلام را از پشت سر مورد حمله قرار دهد؟ جواب مثبت بود.

پیغمبر بلافاصله برای پیش گیری از این خطر بزرگ احتمالی پنجاه نفر را تحت فرماندهی عبدالله بن جبیر با آنجا روانه نموده و صریحاً دستوراتی که از مراقبت آن دره حتی لحظه ای غافل نمانند. و فرمود: چه ماشکست خوردیم و چه پیروز شدیم، شما از جای خود تکان نخورید و در صورت پیروزی، سهم غنائم شما محفوظ خواهد بود.

جنگ احد شروع شد، سر بازان نیرومند اسلام تحت رهبری فرمانده کاروان خود نیروی مهاجم را درهم شکست، بت پرستان مکه تاب

مقاومت در برابر خداپرستان مدینه را نیاورده و فرار کردند، سر بازان فاتح اسلام مشغول جمع آوری غنائم شدند؛ ننگهبانان دره که پیروزی جبهه خود را دیدند بطمع بهره گیری از غنائم، نقطه خطر ناک مأموریت خود را رها نموده و بسوی میدان سرازیر گردیدند، فقط عبدالله مانده باده و یاد و ازده نفر نگاه دشمن بدره بی ننگهبان افتاد، موقعیت حساس نظامی آنرا فوری درک کرد، خالد و عکرمه با دویست تن سر باز؛ راه دره را در پیش گرفته همینکه بعبد الله و ده نفر همراهان باقیمانده او برخورد کردند با يك حمله سخت تمامی آنها را کشته و بدون اینکه با مانع دیگری برخورد کنند، از پشت سر لشکر فاتح اسلام را، بسختی مورد حمله قرار دادند، صحنه جنگ با این حمله ناگهانی و غیرمنتظره عوض شد سپاه اسلام در هم ریخت؛ و لشکر فراری دشمن بر گشت زد و خورد شدیدی در گرفت، همه شنیدند که یکی با صدای بلند می گفت پیغمبر کشته شد.

گرچه این خبر دروغ بود؛ ولی در تضعیف روحیه مسلمان و شکست آنها تأثیر فراوانی کرد؛ جنگ احد با شکست مسلمان و پیروزی بت پرستان مکه، پایان یافت.



این سخن داشت کم کم شایع میشد، چرا شکست خوردیم؟ مگر ما پیرو حق نیستیم، و مگر نه این است که حق همیشه باید پیروز باشد. و می گفتند هل لنا من الامر شیء، قرآن: آل عمران: ۱۵۴
مسلمان، از این شکست غیر منتظره میدان احد؛ دچار تعجب

شده و میگفتند «لو كان لنا من الامر شيء ما قتلنا ههنا»؛ آل عمران ۱۵۴
 اگر برای ما امتیازی می بود ، اینچنین در میدان احد کشته نمی دادیم ،
 آنها گمان می کردند که چون مسلمان بوده و پیرو حق میباشند ؛ بر
 خدا لازم است ، که بدون هیچ قید و شرطی ، ولو اینکه عوامل ظاهری
 برخلاف جریان فتح باشد ، فاتح شده و در هیچ میدانی شکست نخورند .
 آنها از خدا چنین انتظاری داشته و میخواستند تا در پرتو اسلام
 بنوائی رسیده و نابرده رنج گنج نصیبشان شود ، و چنین فکر میکردند
 که چون اسلام دین حق است لذا آنها هم همیشه در میدان های جنگ
 پیروز خواهند بود و این بر خدا است که علی رغم تمام علل و اسباب
 طبیعی ، اسلام را همیشه سر بلند و پیروز گرداند .

این طرز تفکر ، طرز تفکر مردم جاهل و نادانی است که از حساب علل
 و اسباب طبیعی غفلت نموده و از ناموس بزرگ علیت که در تمام
 شئون گیتی جاری است بی خبرند ؛ مردم نادان عصر جاهلیت نیز طرز
 تفکرشان همین بود . و مسلمین شکست خورده احد نیز که خود
 وسائل شکست را با ترک نگهبانی دره فراهم نموده و در عین حال
 انتظار پیروزی را هم داشته اند ، این درس را از مکتب تاریک دوره
 جاهلیت و عصر نادانی بشر گرفته بودند « یظنون بالله غیر الحق ، ظن
 الجاهلیة - قرآن مجید »

آری انتظار پیروزی اسلام بدون تهیه وسائل پیروزی ، آنچنان
 انتظار بیجا و بچه گانه ایست که تنها مردم جاهل و نادان میتوانند
 بچنین انتظاری دل خوش باشند.



راستی که چگونه تاریخ در شکل‌های مختلفی تکرار میشود ، امروز هم مسلمین انتظار پیروزی نهائی اسلام را دارند ، و منتظرند ، تا پرچم اسلام در شرق و غرب عالم باهتزاز درآمده و جهان در پرتو این آئین بزرگ بسعادتمند برسد .

آری فقط همین ، هر چه هست صرفاً تا مرز انتظار و توقع است ، چشمشان با آسمان است تا بلکه از ماوراء ملکوت آسمانهاست غیبی بدرآمده و علیرغم تمام بی‌حالیهای مسلمین ، اسلام را جلو ببرد کویته فکری چقدر و نادانی تا چه اندازه .

در عصر سفینه‌های فضائی و در قرن‌ی که کاخ دانش بشری تمام قدرت و پیشرویی خود را مرهون نظام قطعی عالم و ناموس بزرگ و عمومی علیت می‌داند ، فرزندان اسلام منتظرند که بدون حساب و علیرغم تمام قوانین طبیعی‌ای که خداوند در نظامنامه عالم آفرینش و اجتماعات قدرت بشری تثبیت فرموده ، جلورفته و بایک دنیا افسردگی و بی‌حالی که بر آنها مسلط است ، بر جهان متمدنی امروز بشر مسلط شوند .

راستی که چقدر شرم‌آور است که پیروان مکتب «لیس للانسان الإلهی» ، در عصر علمی امروز از این ناموس بزرگ اخلاقی و اجتماعی که مظهری از مظاهر قانون عمومی علیت است غفلت نموده ، وبدون هیچ قید و شرطی ، انتظار پیروزی اسلام را داشته باشند ، اجازه دهید که مقدمات را هر چه کوتاه‌تر نموده و خیلی سریع وارد اساس مطلب شوم .

باید خیلی صریح و قاطع این مطلب را بگوئیم که پیشروی اسلام جز در پرتو يك سلسله تبلیغات صحیح و مؤثری که مبتنی بر تشکیلات آبرو مند و مجهزی باشد، میسر نیست

در جازدن، و احیاناً عقب گرد، مربوط بنقص کادر تبلیغاتی ما است
نقص کار ما در یکجا و دو جا و ده جا نیست !! .

آیا ما در همین داخله کشور بوظیفه تبلیغاتی خود عمل نموده
و صد در صد معارف این دین را بطبقات مختلف رسانده ایم . من خود
یکی از دهات همین کشور را دیده ام که ظهر روز ۲۱ ماه رمضان
بنام علی بن ابی طالب نهار میداد . و بیچاره از حکم الهی (روزه) در این
ماه بی اطلاع بود !! آیا مسؤل این جهل مردم کیست !! .

مگر در همین کشور نیست که يك عده قابل توجهی از جوانان
فاضل و درس خوانده ما ؛ بدین ، بصورت يك هیولای خرافی نگاه
نموده ، و آنرا وسیله تخدیر اعصاب مردم می دانند، و آیا ما توانسته
ایم که روي منطق علم و برهان دنیا پسندی این مغزها را اقناع نموده
و خلاء فکری آنها را پر کنیم .

چقدر این حقیقت تلخ است که عده بیشماری از برادران سنی
ماتا کنون حتی نام شیعه را نشنیده و بطور کلی از عقائد پاک آسمانی آن
بی اطلاعند ؛ و این بسیار جای بدبختی است که ما هنوز نتوانسته ایم
موجودیت خود را تنها بجهان اسلام معرفی کرده و افکار آنها را نسبت
بخود روشن سازیم .

و آیا ما توانسته ایم که رسالت جهانی پیغمبر را بدنیابلاغ

نموده و قرآن اوراد ر معرض قضاوت فكري دنياي علمي عصر بگذاريم؟
و آيا دنياي علمي امروز كه تا اندازه‌اي بدون تعصب بدنبال بهترين
قوانين حقوقی برای اداره بشریت می‌گردد، از قوانين اسلام با
خبر است، و می‌داند كه يك كنجينه بزرگ آسماني بنام قرآن هم در
روی كره ارض وجود دارد؟؟ قطعاً جواب منفي است !! .

و آيا مسؤل اين منفي بودن جواب كيست !؟

بجز روحانيت و بجز حوزه هاي علميه !؟

تاكي بايد گفت كه نظم مادري نظم و تشكيلات ما در بي
تشكيلاتي است و آيا موقع آن نرسیده كه روحانيت و مجامع علمي
اسلامي، تجديد نظري در اوضاع تبليغي خود نموده و تشكيلات آبرو-
مندی بمنظور گسترش دادن اسلام از راه تبليغات بوجود آورند .

ما معتقديم كه چنين تشكيلاتي لازم است، و قبل از همه چيز
لازم است سازماني فقط بمنظور پرورش مبلغ؛ آن چنان مبليغي كه
آشنا بشرائظ فعلي دنيا باشد، بوجود آيد. و اين تشكيلات بايد در
سه جبهه بصورت خستگي ناپذيري مشغول فعاليت شود.

۱- جبهه داخلي

تبليغات داخلي کشور فوق العاده ناقص و احیاناً در پاره ای موارد
نه تنها دارای حسن اثر نیست بلکه دارای عکس العمل فوق العاده
بدی نیز میباشد، بر حوزه علمیه قم و زعماء عالیقدر روحانی آن لازم
است كه بنام نجات اسلام از این ورشكستگی تبليغاتی، فكري نموده و
مساعي خود را در راه پرورش يك عده مبلغ كه بمنطق علمي عصر هم

مجهز بوده باشند بکاراندازند، وعلاوه براین باید باین واقعیت اقرار کرد که برای تبلیغات داخل کشور تنها دستگاه منبر و مجالس موجوده و عظ و تبلیغ کافی نیست، روح مردم در مقابل مجالس تبلیغی کنونی حساسیت خود را از دست داده

وازینها همه مهمتر آنکه شعاع فعالیت مجالس تبلیغی کنونی تا يك حدود معین و سر و کارش تنها بایک طبقه خاص است، در صورتیکه دین تنها برای همان عده نازل نشده این نواقص ایجاب می کند که زعماء روحانی ما در اوضاع تبلیغاتی داخله کشور تجدیدنظری نموده و بابرنامه های تازه تبلیغاتی؛ جهشی را که خیلی لازم است در این کادر ایجاد کنند.

۲- جبهه خارجی اسلامی

ما احتیاج بیک عده مبلغ متخصص داریم که بتواند شیعه را در سائر ممالک اسلامی معرفی نموده و این شکاف عمیقی را که بین شیعه و سنی بوجود آمده است از بین ببرند، این دو دستگی و این تباعد و نفاق تنها در اثر این است که مادرست بطرز تفکر یکدیگر واقف نیستیم، برادران سنی ما درست بعقائد شیعه چه در باب اصول و چه در باب فروع واقف نیستند، بر ما لازم است که برای ایجاد وحدت و اتحاد ملل اسلامی برنامه کار خود را از معرفی شیعه شروع کنیم و بدیهی است که برای اینکار، احتیاج بیک عده مبلغ متخصص داریم که با روش متینی این وظیفه حیاتی اسلامی را انجام دهند، و من خود که چند ماه قبل در کنگره اسلامی فلسطین شرکت کرده و بی اطلاعی عجیب برادران

مسلمان سنی را نسبت بشیعه با چشم خود دیده‌ام متوجه هستم که این کار تاجه اندازه ضروری بوده و مهمتر آنکه تاجه اندازه هم ثمر بخش می باشد .

برای ایجاد اتحاد اسلامی و تقارب بین مسلمین چاره‌ای جز اجراء برنامه‌های فرهنگی مذهبی نیست ؛ ما باید فرهنگ علمی و مذهبی خود را هرچه روشنتر و صریحتر بسائر برادران اسلامی خود عرضه نموده ، و از این راه فعالیت‌های خائنانه مستعمرین غرب را که برای ایجاد نفاق و دوئیت سرسختانه فعالیت می‌کنند خنثی سازیم .

۴- جبهه خارجی غیر اسلامی

رسالت جهانی پیغمبر را ما فراموش کرده ایم ، و حتی در فکر این هم نیستیم که سری از خانه خود در آورده و دنیای وسیع و بزرگی را که هر روز گامی وسیع بجلومیرود بنگریم ، روحانیت برای تبلیغات جهانی اسلامی هنوز قدم قابل توجهی جز فرستادن چند نماینده بخارج بر نداشته . عرضه کردن اسلام به بشریت از وظائف اولیه و قطعی روحانیت است ، دنیای مسیحیت برای هر گوشه‌ای از دنیا کشیش متخصص تربیت نموده و تنها در سال ۱۹۶۱ یعنی سال گذشته / ۲۱۵۰۰۰ از این مبلغین متخصص مسیحی در سراسر جهان مشغول فعالیت بوده‌اند ، آری سفرای واتیکان بدون اینکه دارای سرمایه علمی و مذهبی قابل توجهی باشند تمام گوشه و کنارهای جهان را زیر پا گذارده و هرچه بیشتر و برو با عدم موفقیت میشوند بیشتر کوشش می‌کنند .

ولی اسلام

مبلغین ما تا بحال بسیار کم قدم از چهار دیوار کشور بیرون گذارده و از زحمت و مشقت سفر را در راه رسالت جهانی پیغمبر بر خود هموار نموده اند و اصولاً با کمال تأسف باید گفت، که روحانیت برای اینکار ضروری تشکیلاتی ندارد. ولی افق روشن است افکار تکانی خورده، کم و بیش نغمه های امید بخشی در محافل روحانی شنیده میشود، امید است که هر چه زود تر این محافل شجاعتی نشان داده و قدم های وسیع و مؤثری در این جبهه های مختلف بر دارند و پیشنها می کنیم که هر چه زود تر سازمان مخصوص پرورش مبلغ را تشکیل داده و این خلاء بزرگ مذهبی را از بین ببرند.

بامید آنروز دقیقه شماری می کنیم و از خدا میخواهیم که پیشروان روحانیت را در راه انجام هدف های عالی جهانی خود موفق بدارد.

برادری اسلامی :

لاورلس ای . برون میگوید :

برادری اسلامی که مسلمانان بجهان معرفی کرده اند؛ يك برادری واقعی است؛ و در بین ملل اروپائی چیز تازه ایست. نمیدانم آیا آنطور که مسلمین سوریه نسبت بمسلمانان ایران احساس برادری میکنند، مسیحیهای سوریه نسبت بمسیحیهای ایران احساس میکنند؟ ..
(یعنی در برادری اسلامی مرز و ملیت ملغی است و هر فرد مسلمان، نسبت به برادران مسلمان خود در هر گوشه دنیا که باشند احساس محبت و برادری میکنند. بر خلاف مسیحیها).